

## رنالیسم اجتماعی در آثار احمد محمود (با تکیه بر سه عنصر درون‌مایه، شخصیت و حادثه)

خاطره دارابی\*

دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۱۱/۲۷

پذیرش:

۱۳۹۵/۰۱/۲۱

### چکیده

احمد محمود، داستان‌نویس معاصر تلاش کرده که در آثارش شرایط حاکم میان فرد و اجتماع را وصف کند. در داستان‌های او توصیف زندگی مردم عادی، نیازها و نگرانی‌هایشان طی جو حاکم بر نظام اجتماعی، در قالب روایت‌های داستانی گنجانیده شده‌اند. این نوع داستان‌پردازی، سبک وی را در زمره نویسندگان متمایل به رنالیسم اجتماعی قرار داده است. گرایش محمود به واقع‌گرایی، همچنین وجود نشانه‌های رنالیسم اجتماعی در رمان‌هایش، دلیلی برای بررسی آثار داستانی وی است. بدین سبب پژوهش حاضر با طرح این سؤال که وجود چه مشخصه‌هایی، آثار محمود را ذیل سبک واقع‌گرایی اجتماعی قرار می‌دهد، شکل گرفته است. در این بررسی هدف اصلی، روشن‌تر کردن هرچه بیشتر فضای رئالیستی رمان‌های محمود و سبک رنالیسم اجتماعی وی با تأکید بر تحلیل سه عنصر درون‌مایه، شخصیت و حادثه بوده است. در این پژوهش، با مطالعه منابع کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی مشخصه‌های رنالیسم اجتماعی در رمان‌های همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، مدار صفردرجه و داستان کوتاه بازگشت که بارزترین نمونه‌های آثار رئالیستی محمود به شمار می‌آیند، پرداخته است. حاصل آنکه، محمود با ذکاوتی خاص در انتخاب موضوعات اجتماعی به عنوان درون‌مایه آثار، خلق شخصیت‌های داستانی به عنوان تیپ‌هایی که نمونه‌هایی از افراد زندگی روزمره ما هستند و قرار دادنشان در حوادثی قابل باور، توانسته است آثاری با سبک واقع‌گرایی اجتماعی خلق نماید.

**کلیدواژه‌ها:** رنالیسم اجتماعی، احمد محمود، درون‌مایه، شخصیت، حادثه.

## مقدمه

واقع‌گرایی اجتماعی<sup>۱</sup>، یکی از شاخه‌های مکتب رئالیسم می‌باشد که در داستان‌نویسی معاصر ایران رواج یافته است. این نوع از رئالیسم به مشقت‌ها، رنج‌های طبقات فرودست جامعه و بی‌عدالتی‌هایی که در حق آنها صورت می‌گیرد، می‌پردازد. نگاه رئالیسم اجتماعی به واقعیت، با نگاه رئالیسم‌نویسان سوسیالیستی که هنر (از جمله بیان واقعیت) را وسیله‌ای در جهت آموزش ملت و ابزاری برای اهداف سیاسی و انقلابی قرار می‌دهند، متمایز است. این دو گونه از رئالیسم، اکثر مواقع، به اشتباه در معنای مشترک به کار برده می‌شوند. رئالیسم اجتماعی، هنری دولتی و رسمی نیست و تنها آنچه را که می‌بیند (آنچه که وجود دارد) به شیوه‌ای بی‌طرفانه بیان می‌کند<sup>(۱)</sup>، در رئالیسم اجتماعی، به واقعیات روابط سیاست و اجتماع می‌پردازد اما دید وی نگاهی مارکسیستی-کمونیستی نیست<sup>(۲)</sup>. بنابراین، تعریف خط سیر این دو رئالیسم مشخص و جدای از یکدیگر است.

در ایران، واقع‌گرایی در معنای پیوستن ادبیات به اجتماع، برای نخستین بار در سال‌های مشروطیت (۱۲۵۸ش) شکل جدی به خود گرفت. این واقع‌گرایی خام در سال ۱۳۰۱ش، در قالب داستان کوتاه یکی بود یکی نبود محمدعلی جمال‌زاده، به واقع‌گرایی اجتماعی در معنای جنبشی آن تبدیل می‌شود و در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ در آثار داستان‌نویسان نمود بیشتری پیدا

می‌کند. در دهه ۵۰-۴۰ داستان‌نویسی، رگه‌هایی از این واقع‌گرایی اجتماعی، در قالب داستان‌های اقلیمی نمود می‌یابد که از میان نویسندگان این نوع از واقع‌گرایی، می‌توان به احمد اعطا معروف به احمد محمود (متولد چهارم دی ماه ۱۳۱۰) اشاره داشت. (گلستان، ۱۳۸۶: ۷) نمونه داستان‌های اقلیمی وی، مثال بارز واقع‌گرایی اجتماعی بوده و این خصیصه رئالیستی، نسبت به ادبیات اقلیمی نویسنده، بارزتر و مهم‌تر است. او را به سبب بهره‌مندی از روش‌های مشخص واقع‌گرایانه در داستان‌نویسی، پیرو مکتب رئالیسم اجتماعی می‌دانند که به نوعی از رئالیسم اجتماعی در دهه ۴۰ و ۵۰ شیوه غالب داستان‌نویسی و نوشتاری نویسندگان آن دوره متأثر است. (میرعابدینی، ۱۳۸۶: ۴۷۸-۴۷۷)

دوران نویسندگی احمد محمود به سه بخش تقسیم می‌شود: دوران آغازین نویسندگی (از ۱۳۴۶-۱۳۳۳)، دوره میانی (از ۱۳۵۷-۱۳۴۶) و سومین دوره داستان‌نویسی وی که از سال ۱۳۵۷ شروع شده است. (عبدالهیان، ۱۳۷۹: ۱۳۳) وی تنها زمانی با عنوان نویسنده‌ای واقع‌گرا در ادبیات داستانی مشهور می‌شود که در نوشتن به سبکی شخصی دست می‌یابد و نمود عناصر واقع‌گرایی در آثارش شفاف‌تر می‌شوند. این پختگی از دوران دوم نویسندگی‌اش، همزمان با انتشار رمان همسایه‌ها (۱۳۵۳) به بعد مشاهده می‌شود. محمود این نوع از گرایش به واقع‌گرایی اجتماعی را بعد از این شاهکار، به ترتیب در رمان‌های *داستان یک شهر* (۱۳۶۰)، *زمین سوخته* (۱۳۶۱)، *ملار صفر* درجه (۱۳۷۰) سه جلدی و داستان کوتاه *بازگشت*

1. social realism

رعایت در انتخاب این عناصر داستانی، با توجه به شواهد موجود در آثار رئالیستی احمد محمود در جایگاه نویسنده توانمند واقع‌گرا، خصیصه‌هایی هستند که به نوشته‌های وی رنگ رئالیسم اجتماعی داده، خواننده را با چنان فضای سه بعدی مواجه می‌سازد که ساختگی بودن آثار را باور ندارد و آنها را واقعیت صرف می‌پندارد. بنابراین، ضروری است که با بررسی عناصر داستانی آثار محمود، با تأکید بر سه عنصر درون‌مایه، شخصیت و حادثه، زوایای رئالیستی آثار وی بیشتر مشخص گردد. در رابطه با زبان، مکان و زمان داستان‌های رئالیستی محمود پژوهش‌های بسیاری شده و در این پژوهش از بررسی‌شان صرف نظر می‌کنیم.

#### پیشینه

در رابطه با سبک واقع‌گرایی محمود، دو گونه منبع موجود است یکی منابعی که واقع‌گرایی بومی وی را مورد پژوهش قرار داده‌اند که تنها به ذکر عنوان آنها در این پژوهش اکتفا می‌شود. از جمله پایان‌نامه *رئالیسم بومی و باز آفرینی واقعیت در آثار احمد محمود (۱۳۸۸)*، از مهری مرادی؛ پایان‌نامه *فرهنگ بومی بر آثار داستانی جلال آل احمد و احمد محمود (۱۳۸۹)*، از مرضیه عفتی؛ پایان‌نامه *بررسی فرهنگ مردم و ادبیات عامه در آثار سیمین دانشور، احمد محمود و منیر و روانی پور (۱۳۸۹)*، از پروین حیدری و پایان‌نامه‌ای با عنوان *نقد جامعه‌شناختی رمان همسایه‌های احمد محمود (۱۳۹۳)*، از آرزو شهبازی.

(۱۳۶۹) پی گرفته و به نثری پخته‌تر و شفاف‌تر در این زمینه دست می‌یابد. وی سیر داستان‌نویسی خود را این‌چنین شرح می‌دهد: «اگر از همسایه‌ها حرکت کنیم و برسیم به *مدار صفر* درجه می‌بینیم که همسایه‌ها را بیشتر با نوعی غریزه و کمتر شناخت داستان نوشته‌ام، در حالی که این کتاب *آخرم (مدار صفر درجه)* را بیشتر با شناخت داستان و کمتر از روی غریزه نوشته‌ام». (گلستان، ۱۳۸۶: ۲۱)

در رابطه با اینکه چه عواملی به آثار داستانی ویژگی واقع‌گرایی می‌بخشد، می‌توان به این گفته چایلدز استناد نمود که ویژگی‌های رئالیسم اجتماعی را این‌چنین بر می‌شمارد: در کنار شخصیت‌هایی که هم قابل تشخیص‌اند و هم بازتاب تصاویری که خوانندگان از خودشان می‌سازند، مرجعیت و ثوق روایت، محیط دوره و زمانه، مکان‌های نمونه، گفتار معمولی، طرح داستانی خطی و استفاده از سخن آزاد غیر مستقیم، دیگر ویژگی‌هایی است که به اثر جادوی واقع‌گرایی می‌بخشد. (چایلدز، ۱۳۸۲: ۸۷) این خصایص که چایلدز برای داستان‌های واقع‌گرا بر می‌شمارد، نویسندگان رئالیستی را بر آن می‌دارد که در انتخاب عناصر داستانی چون درون‌مایه، شخصیت‌ها، حوادث، زبان، گفت‌وگو و زمان و مکان بسیار دقت کرده، شیوه‌ای را از پرداخت این عناصر در داستان‌ها برگزینند که به واقعیت نزدیک بوده، همذات‌پنداری خواننده با فضای داستانی را قوت بخشند، در نتیجه به داستانی رئالیستی دست یابند.

در میان تحقیق‌های مفصلی که در سبک شناسی رئالیسم اجتماعی آثار احمد محمود صورت گرفته است، لزوم پژوهشی که جداگانه عناصر رئالیسم اجتماعی را در عناصر داستان رمان‌های برجسته نویسنده بررسی کرده باشد ضروری است. کامل‌ترین پژوهش در سبک رئالیسم اجتماعی محمود و آثارش، پایان‌نامه‌ای با عنوان *رئالیسم اجتماعی در آثار احمد محمود* (۱۳۸۸) از خاطره دارابی است که در آن سیر واقع‌گرایی داستان‌های احمد محمود را از آغاز نویسندگی تا دوران شکوفایی رئالیسم اجتماعی وی در آثارش بررسی کرده است. در این پژوهش، شیوه پردازش عناصر داستانی به سبک واقع‌گرایی اجتماعی در رمان‌های همسایه‌ها، داستان یک شهر، *مدر صفر* درجه، زمین سوخته و داستان کوتاه *بازگشت* واکاوی شده است. این آثار برجسته‌ترین آثار محمود در حیطه رئالیسم اجتماعی هستند. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول مقاله است.

#### روش تحقیق

در این پژوهش که با رویکردی توصیفی-تحلیلی به موضوع واقع‌گرایی اجتماعی در آثار احمد محمود با تکیه بر سه عنصر درون‌مایه، شخصیت و حادثه پرداخته است، مقدمات تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده است. در بخش توصیف مبحث، به ذکر مقدمه‌ای در شرح مفاهیم و پیشینه پژوهش پرداخته شده، بخش تحلیلی با بررسی مشخصه‌های رئالیسم اجتماعی، در عناصر درون‌مایه، شخصیت و حوادث رمان‌های واقع-

دیگری منابعی که رئالیسم اجتماعی داستان‌های وی را بررسی نموده‌اند. در این منابع، یک یا دو اثر از نمونه‌های واقع‌گرایی اجتماعی محمود را طی مقایسه‌ای تطبیقی با دیگر آثار نویسندگان واقع‌گرایی اجتماعی اروپایی، مورد پژوهش قرار داده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها پایان‌نامه *مطالعه تطبیقی رئالیسم اجتماعی در رمان‌های احمد محمود: همسایه‌ها، داستان یک شهر و چارلز دیکنز: خانه قانون زده، داستان دو شهر از منظر جامعه‌شناسی لوسین گلدمن* (۱۳۹۵)، از کژال محمدیان که در پنج فصل به بررسی تطبیقی جنبه‌های رئالیسم اجتماعی، تأثیرات متقابل جامعه بر نویسنده و پیدایش اثر در دو رمان از نویسنده ایرانی، احمد محمود: *همسایه‌ها و داستان یک شهر و دو رمان از رمان‌نویس شهیر انگلیسی چارلز دیکنز: خانه قانون‌زده و داستان دو شهر* پرداخته است. در پایان مؤلف بدین نتیجه دست یافته که دو نویسنده از شرایط اجتماع و وقایع تاریخی زمانه خود تأثیر بسیار پذیرفته‌اند. همچنین آثار مذکور، قابلیت انطباق با بسیاری مؤلفه‌های جامعه‌شناسی گلدمن را دارند. پایان‌نامه دیگر *بررسی تطبیقی رئالیسم اجتماعی در رمان سرخ و سیاه اثر استاندال و همسایه‌ها اثر احمد محمود* (۱۳۹۳)، از حوا محمدعلیزاده است که در این پژوهش، سعی بر این است که شاخص‌های مکتب رئالیسم اجتماعی منعکس‌شده در آثار نویسندگان مذکور، استخراج و مقایسه شود. علاوه بر آن مؤلف به تحلیل زبان داستانی دو نویسنده پرداخته و مشخصات بارز رئالیسم اجتماعی را نیز در این دو رمان نشان داده است.

است بدین سبب موازی با دیگر آثار رنالیستی احمد محمود مورد بررسی قرار گرفته است.

### متن مقاله

در هر اثر داستانی عناصری وجود دارد که قرار گرفتن آنها در کنار هم، منجر به آفرینش یک اثر واحد است. از میان عناصر داستانی چون درون‌مایه، شخصیت‌ها، حوادث، زبان، گفت‌وگو، زمان و مکان بیشترین وظیفه بر عهده سه عنصر درون‌مایه، شخصیت و حوادث است. بنابراین، چگونگی گزینش این عناصر، نوع داستان را مشخص می‌سازد. احمد محمود، قواعدی را در گزینش و خلق عناصر داستان رعایت نموده است که به آثارش رنگ واقع‌گرایی اجتماعی می‌دهد. اولین شاخصه سبک واقع‌گرایانه محمود که در انتخاب درون‌مایه آثارش نمایان شده، به ترتیب در شخصیت‌پردازی، گزینش حوادث داستان‌ها دنبال می‌شود.

### ۱. درون‌مایه

در داستان‌های رنالیستی، نویسندگان درون‌مایه آثار خود را از موضوعات اجتماعی برگزیده، در قالب زندگی‌های اجتماعی بدان می‌پردازند و همین امر باعث می‌شود مخاطبان دردها و مشکلات خود را در این آثار مشاهده کنند، با فضای این آثار احساس قربت کنند و به تبع حقیقت‌مانندی موضوع و مضمون داستان‌های رنالیستی، دیگر عناصر داستانی نیز از پدیده‌های زندگی اجتماعی انتخاب می‌شوند و داستان را

گرای محمود چون همسایه‌ها، داستان یک شهر، زمین سوخته، مدار صفر درجه و داستان کوتاه بازگشت خاتمه یافته است که در آن، بعد از ذکر چگونگی پرداخت عناصر داستانی چون درون‌مایه، شخصیت‌ها و حوادث رنالیستی، مثال‌هایی جهت فهم بیشتر مخاطبان از رمان‌های مذکور ارائه شده است. این شیوه متناسب با روش تحقیق توصیفی تحلیل محتواس است که در آن محقق به شناخت مسئله و تعریف آن، تدوین فرضیه، نمونه‌گیری، گردآوری اطلاعات، تنظیم و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری اقدام می‌نماید؛ یعنی فرآیند تحقیق علمی را به طور منظم رعایت می‌کند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۶) سبب گزینش رمان‌های مذکور جهت بررسی رنالیسم اجتماعی در داستان‌های محمود، مواردی به شرح زیر است: الف) این آثار به مراتب از داستان‌های دیگری چون مول، بیهودگی، زائری زیر باران، دریا هنوز آرام است، غریبه‌ها و پسرک بومی واقع‌گراتر بوده، به لحاظ سبکی گویای جنبه‌های مختلف رنالیسم اجتماعی نوشته‌های وی هستند.

ب) پیوستگی موضوعی و شخصیتی که در آثار مذکور به چشم می‌خورد بیشترند. همچنین بیشتر داستان‌های کوتاه محمود، یا در رمان‌های مورد بررسی تکرار شده یا برشی از همین رمان‌ها هستند که به عنوان داستان کوتاه در جزواتی جداگانه به چاپ رسیده‌اند.

داستان کوتاه بازگشت از مجموعه دیدار، به گونه‌ای، دنباله روایت داستان سرنوشت «خالد» قهرمان رمان‌های همسایه‌ها و داستان یک شهر

هرچه بیشتر به عالم واقع نزدیک می‌کنند.

درون‌مایه که فکر حاکم بر داستان است به طور مستقیم نتیجه تفکر و اندیشه نویسنده درباره موضوعی خاص است. ایدئولوژی و نگاه نویسنده به جهان هستی سبب می‌شود که درون‌مایه اصلی داستان شکل بگیرد. پدیده‌ها و حادثه‌ها موضوعات را پروده، داستان را می‌سازند و درون‌مایه را به تصویر می‌کشند. (دارابی، ۱۳۸۸: ۷۱)

#### ۱-۱. درون‌مایه اجتماعی

سبک محمود را پرداختن به واقعیت‌های ملموس زندگی اجتماعی می‌دانند. (فقیری، ۱۳۸۶: ۱) محمود در توضیح موضوعات داستان‌هایش، نویسندگان را به دو دسته متعهد به اجتماع و غیر متعهد تقسیم می‌کند و رسالت ادبیات را جز تعریف انسان، جامعه و خود فرد نمی‌داند. (گلستان، ۱۳۸۶: ۹۸) از این‌رو، درون‌مایه بیشتر آثار محمود، نگاهی انسانی به اجتماع و بیان زندگی مردم در دوره‌های آنهاست.

مهم‌ترین درون‌مایه‌های مورد استفاده محمود در شرحی که از اجتماع ارائه می‌دهد، به سیاست‌هایی مربوط می‌شود که در تصمیمات نادرست دولت ایجاد شده و بیشترین تأثیر را بر زندگی مردم فرودست داشته است و نتایج این سیاست‌ها یعنی فقر توده زحمت‌کش و متوسط جامعه، تبعات آن چون در به دری و بیکاری مردم، ناهنجاری‌های اخلاقی و فساد، دزدی، قاچاق، می‌خواری ... بیشترین تأثیر را بر احوال مردم آن عصر داشته، زندگیشان را تغییر داده

است. این موضوعات تمام شخصیت‌های آثار وی، چه اصلی و چه فرعی را در برمی‌گیرد.

محمود درون‌مایه‌های اجتماعی داستان‌های خود را در قالب برش‌هایی از زندگی پیرامون خود ریخته، رفته‌رفته به لایه‌های زیرین توجه نشان می‌دهد و با رئالیسم کاونده خود، راه‌های تازه‌ای جهت ارائه واقعیت‌های اجتماعی می‌آفریند، یعنی «بیان ریشه اجتماعی وضع موجود در زیر قشر زندگی روزانه». (شکری، ۱۳۸۶: ۲۰۸)

نوع موضوعات انتخابی جهت درون‌مایه آثار، شیوه پرداخت و ارائه این درون‌مایه‌ها، مهارت احمد محمود را در داستان‌نویسی رئالیستی مشخص می‌کند. در داستان همسایه‌ها، خالد (راوی) داستان را در موقعیتی وصف می‌کند که خود و همسایه‌هایش به شکل‌های متفاوتی درگیر فقرند و در زندگی سیاه و پر از فساد خود می‌غلطند. در این داستان دوره‌ای از زندگی مردم جنوب ایران به طور جامع از بطن دگرگونی‌های تاریخی نشان داده می‌شود. محمود در این رمان تلاش کرده است وضعیت اجتماعی مردم را در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۰ توصیف کند و حقایق اجتماعی-تاریخی آن دوران را بدون هیچ پیش‌داوری بازگو نماید. (محمود، ۱۳۸۷: ۹ و ۱۰ و ۲۴ و ۲۶)

- در داستان یک شهر فقر در بندر لنگه، به نحوی دیگر و در موقعیتی جدیدتر نمود می‌یابد. وی شرایط و احوال مبارزان سرخورده از حکومت آن دوره را در قالب روایت زندگی کسالت‌بار مبارزی تبعیدی در یک شهر بندری دورافتاده بیان می‌کند. اثر، روایت سال‌های

چرا كه معتقدند خواننده بايد با خواندن كل متن به اين دريافت دست پيدا كند. گاهى فكر حاكم و مسلط بر اثر، در قالب سخنان شخصيت‌هاى داستان به ويژه قهرمانان ارائه مى‌شود. پى‌رنگ، زاويهٔ ديد، توصيف‌ها، عنوان داستان، لحظات كليدى و تاكيد‌هاى نمادين، معمولاً شواهد خوبى براى يافتن معناى داستان به شمار مى‌رود. (اسكولز، ۱۳۷۷: ۲۲) محمود نيز به همين منوال در بيان موضوعات مطرح در آثارش، مستقيماً اظهار نظر نكرده، بلكه به صورتى مبهم طى گفته‌هاى شخصيت‌ها، عنوان‌ها، توصيف‌ها، انگاره‌هاى تكرر، گفته‌هاى كنايه‌وار، لحن روايت، و به تصوير كشيدن صحنه‌ها به بيان درون‌مايه آثار واقع‌گرايانه‌اش مى‌پردازد. (ميرصادقى، ۱۳۸۲: ۱۵۶) او در آثارش، از هر فرصتى جهت پرداخت درون‌مايه بهره مى‌برد و به طور ضمنى، به آن اشاره مى‌كند و اين هوشيارى خواننده خواهد بود كه به لايه‌هاى زيرين داستان راهنمايى‌اش مى‌كند. به وي كمك مى‌كند تا درون‌مايه و اندیشهٔ نويسنده را دريابد. به طور مثال محمود سياست استعمارى جامعه را كه فقر خانواده‌هاى دنگالى همسايه‌ها را موجب شده است از زبان شخصيت‌هايش اين چنين مطرح مى‌كند:

«مى‌روم تو اتاق پدرم مى‌نشينم نوشته همهٔ كاغذها مثل هم است. چيزهايى است كه اصلاً سر در نمى‌آورم. جانم بالا مى‌آيد تا يك كلمه را هجى كنم و تازه وقتى كلمه را هجى كردم و خواندمش، معنى‌اش را نمى‌فهمم. مثلاً نمى‌دانم اين معنى‌اش "استعمارگر خونخوار" چه جور جانورى است كه فقط خون مى‌خورد و اشتهاش

خاموشى و خفقان بعد از كودتاى ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را در بر دارد. (محمود، ۱۳۸۲: ۱۸ و ۲۰) (۲۹)

- در داستان بازگشت مانند دو اثر گذشته همين روال دنبال شده، اما در *مدار صفر* درجه نويسنده، پروندهٔ فقر سال‌هاى سلطنت شاهنشاهى را با تمامى تلاش‌هاى مردم جهت تغيير مكان طبقاتى و بهبود احوال‌شان بازخوانى كرده، با ظهور انقلاب اسلامى بايگانى مى‌كند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۷۱۴) اين دو روايت نيز خود نمونه‌اى كوچك از نتايج سياست حكومت وقت و وضعيت زندگى آن دوران است. محمود در اين داستان‌ها موضع خود را مشخص مى‌كند. وي با كسب تجربه‌هاى اجتماعى، در داستان‌هايش به سوي تجسم زندگاني مردم و آنچه در ژرفاى مناسبات اقتصادى - سياسى مى‌گذرد (مهاجرت روستاييان به شهر، مشكل بيكاري...) مى‌آيد. (صفوى، ۱۳۸۱: ۴۳)

- پيش از اين بيان شد كه محمود در هر داستان، بيشتر به موضوعاتى كه در برهه‌اى از تاريخ ايران مهم و دغدغهٔ مردم بوده، توجه دارد. در زمين سوخته جنگ موضوعى است كه بدان پرداخته و آن را عنصرى ويرانگر كه فقر را به دنبال دارد معرفى مى‌كند. (محمود، ۱۳۷۸: ۲۰ و ۴۳)

## ۱-۲. نحوهٔ ارائهٔ مضمون

نويسندگان واقع‌گرا (به خصوص احمد محمود)، اغلب ترجيح مى‌دهند كه به طور مشخص و واضح درون‌مايه را در اختيار خواننده قرار ندهند؛

و داشته که شخصیت‌ها را اکثراً از طبقات پایین و متوسط جامعه برگزیند و این مسائل در سطح زندگی و کنش شخصیت‌ها تاثیرگذار بوده است. بنابراین، شخصیتی استثنایی و دور از ذهن، قهرمان نیست. در داستان‌های محمود، همه در جوار هم در روایت داستان مشغول زندگی هستند. در رمان همسایه‌ها راوی قهرمان داستان، خالد، نوجوانی از خانواده‌ای فقیر است. دیگر همسایه‌های خالد، آفاق، محمد مکانیک، رحیم خرکچی، امان آقا و... هستند که هیچ یک، وضعی بهتر از خانواده‌ی راوی ندارند. قهرمان رمان داستان یک شهر نیز سربازی تبعیدی، در جزیره‌ای دورافتاده و فقیر است. شخصیت‌های داستان بازگشت چون شاسب، غلام، پسرخاله، مرد زرقانی و...، از طبقات فرودست جامعه‌اند. شخصیت‌هایی مثل راوی، خالد، صابر، مهدی پاپتی و امیرسلیمان و دیگران در زمین سوخته و شخصیت‌هایی چون باران، نوذر، عمو فیروز و ... در مدار صفر درجه نیز این چنین هستند.

## ۲-۲. نمود عینی شخصیت

در آثار رئالیستی محمود، شخصیت‌ها هم دارای بُعد منفی و هم دارای بُعد مثبت‌اند. «چیزی که شخصیت‌های رمان را درست همچون خود ما می‌کند این است که سرشته از خوبی و بدی‌اند». (ایرانی، ۱۳۸۰: ۴۶) در رمان همسایه‌ها که روایت دغدغه‌های مردم تنگدست و قشر ستمدیده از سیاست حکومت است، راوی (خالد) نوجوانی از خانواده‌ای فقیر است. خانواده‌ای که هرکدام از اعضای آن در جهت بهبود وضع معیشتی در

هم سیری ناپذیر است. لابد، بی‌جهت اسم "استعمارگر" را "خونخوار" نگذاشته‌اند. باید دلیلی داشته باشد. (محمود، ۱۳۸۷: ۲۳)

و با عبارتی کنایی از زبان شخصیتش

ابراهیم می‌گوید:

«- نفت بخوره که بهتره تا خون بخوره و

عقیده دارد که اگر این جانور هوس خون آدم بکند، بدجوری می‌شود». (همان: ۲۳)

در دیگر آثار مورد نظر در این پژوهش نیز

همین ویژگی به شیوه‌ای ماهرانه‌تر دنبال شده است.

## ۲. شخصیت

یکی از عناصر بسیار مهم و تأثیرگذار در داستان‌های رئالیستی، عنصر شخصیت و نوع پردازش آن است. اگر شخصیت‌های داستان به نظر خواننده واقعی بیانند، یعنی واقعی و حقیقی بودن داستان را باور کند، شخصیت‌های واقع‌گرا حقیقی‌اند نه به این جهت که به ما شبیه‌اند، بلکه به این علت که قانع‌کننده‌اند. (فورستر، ۱۳۶۹: ۶۸)

داستان‌های محمود از نظر شخصیت غنی

هستند و شگردهای وی برای خلق شخصیت‌های قانع‌کننده در داستان را می‌توان به شیوه‌های رعایت پایگاه اجتماعی شخصیت، نمود عینی شخصیت، چگونگی ورود شخصیت به داستان، شخصیت‌های نوعی در داستان خلاصه نمود.

## ۲-۱. رعایت پایگاه اجتماعی شخصیت

طرح مسائل اجتماعی در آثار احمد محمود در گزینش طبقه‌ای شخصیت‌ها نیز موثر بوده و او را



- در داستان يك شهر شخصيت «على» از جمله شخصيت‌هاىي است كه خواننده از آغاز داستان به واسطه توصيف‌ها، گفتار و كردارش با او آشنا مى‌شود. على شاد مى‌شود، غمگين مى‌- شود؛ مورد علاقه خواننده است اما گاهى هم دست به اشتباه مى‌زند. خصلت‌هاىي كه تنها مخصوص اوست. در پايان هم، شخصيت «على» مظنون به قتل «شريفه» است. (محمود، ۱۳۸۲: ۷ و ۹ و ۳۵۵ و ۵۵۵)

- شخصيت «غلام» در داستان بازگشت، از آغاز، نوجوانى كارى و پرتلاش از خانواده متوسط جامعه معرفى مى‌شود. وي شخصيتى مثبت است ولى بعد از شكست مصدق و حزب توده، تفرنامه را امضا كرده، زير چتر حكومت مى‌رود. او به دليل ترس از دست دادن داشته‌هايش، از تمامى عقايد خود پا پس كشيده، ننگ بنده دولت بودن را به بهاي زندگى راحت به جان مى‌خرد و به شخصيتى منفى تبديل مى‌شود. (محمود، ۱۳۶۹: ۱۰۱-۱۰۰ و ۲۰۸-۲۰۷) در زمين سوخته نيز «كل شعبان»، پدر خانواده‌اى چهار نفره، مغازه‌دار محله است كه در آغاز داستان، شخصيت منفورى ندارد، اما بعدها (در پايان رمان) از شرايط بحراني جنگ بهره برده، به فكر پولدار شدن است و به اصطلاحى خون مردم را در شيشه مى‌كند. (محمود، ۱۳۷۸: ۱۰۰ و ۱۵۸-۱۵۷)

«شهر» نوجوان روستايى در مدار صفر درجه است كه به شهر آمده و با تلاش به فكر كسب روزى است. او در آغاز شخصيتى دوست داشتنى دارد و در ادامه داستان، جاي آن مرام و تلاش را

تلاشند. «خالد» به اقتضاي سن نوجوانى خود، رفتار خوب و بد دارد تا اينكه در پايان به مبارزى انقلابى تبديل مى‌شود. اين تكامل شخصيتى در نوع لحن روايت خالد نيز مشخص است. وي در آغاز رمان، مشاهداتش را اين چنين تعريف مى‌كند:

«اگر پدرم برود بيرون مى‌توانم كيوترهام را هوا كنم و از معلق زندشان لذت ببرم. بچه‌ها تو حياط قشقرق به پا كرده‌اند. صبح جمعه زودتر از روزهاى ديگر از خواب بيدار مى‌شوند. اميد، پسر محمد ميكانيك مدرسه مى‌رود. كلاس دوم است. من تا كلاس چارم خوانده‌ام». (محمود، ۱۳۸۷: ۵)

لحن روايى نوجوانى است كه با آب و تاب سخن مى‌گويد و به وضوح در اين گفته‌ها پيداى است، اين در حالى است كه در پايان رمان با متانت خاص جوانى انقلابى، شرايطش را چنين شرح مى‌دهد:

«صد و يك روز است كه با كسى حرف نزده‌ام. وقتى كه فهميدم دستور داده‌اند كسى بام حرف بزند، من هم لج كردم حتى با پاسبان نادر هم ديگر حرف نزدم. دلم دارد مى‌تركد. بي‌خوابى زده است به سرم. اگر تو حسابم اشتباه نكرده باشم، فردا بايد آزاد شوم. شب از نيمه بايد گذشته باشد. بد جورى تنم داغ شده است. لابد تب كرده‌ام». (همان: ۱۷۶)

ديگر همسايه‌هاى اين خانه دنگالى، يعنى آفاق، محمد ميكانيك، رحيم خرکچى، امان آقا و... نيز هر كدام به نحوى با اين فقر دست و پنجه نرم مى‌كنند و در روند داستان كنش و رفتارشان تغيير مى‌كند.

دغل بازی و قاچاقچی گری می گیرد؛ هرچند در این مورد هم نمی توان گفت وی شخصیتی عموماً بد است، کنش های این شخصیت آمیزه ای است از کارهای خوب و بد، به گونه ای که خواننده بدی او را نتیجه شرایط زندگی اش خواهد دانست نه به سبب طینت بدش. (محمود، ۱۳۷۶: ۳۷۹ و ۱۰۵۹ و ۱۷۳۵) این شیوه نوشتن - دیدن است و قلم نویسنده سطوح بیرونی ماجراهای مقابل خود را ثبت می کند. اثری از همدردی و داوری نیست. (مستور، ۱۳۸۶: ۳۹-۳۸)

### ۳-۲. چگونگی ورود شخصیت به داستان

نحوه جالب ورود شخصیت ها به داستان، از دیگر خصیصه های شخصیت پردازی واقع گرای محمود است. همان گونه که طی حوادث زندگی روزمره، از طریق گفتار و اعمال یا با درک خودمان، با اشخاص آشنا می شویم در داستان های محمود نیز در خلال حوادث، گفتار و اعمال و متناسب با زاویه دیدی که برای روایت اثر انتخاب نموده، خواننده با شخصیت ها آشنا می شود. در داستان همسایه ها رمان با حادثه کک زدن «بلورخانم» آغاز می شود. خواننده با امان آقا، بلورخانم، راوی و مادر راوی و دیگر همسایه آشنا می شود و متناسب با زاویه دید (اول شخص مفرد یا من راوی)، رمان از دریچه نگاه نوجوانی که در میان قهرمانان داستان است به درون روایت راه یافته، تمامی مناظر و اشخاص با کنجکاوای وصف می شوند. متناسب با زاویه دید، توصیفاتی بیرونی و عینی از حوادث و در حد و اندازه دید راوی شکل گرفته، به خواننده منتقل می شود و شخصیت بلور خانم و امان آقا نیز با اعمال

و گفته هایشان به خواننده شناسانده می شوند. (محمود، ۱۳۸۷: ۳)

- در داستان یک شهر با زاویه دید اول شخص مفرد یا من راوی، شخصیت ها با اندکی وصف و بیشتر از طریق حوادث، گفتار و اعمال معرفی می شوند. رمان با مراسم تشییع جنازه «علی» آغاز می شود که در جریان آن، اکثر شخصیت های کم و بیش مهم و اصلی داستان چون «گروهان غانم»، «علی دادی»، «قدم خیر»، «گیلان» و دیگران معرفی می شوند. در ادامه داستان «گروهان غانم» به هر دو شیوه یادشده به خواننده معرفی می شود: «گروهان غانم ریزه اندام است و استخوانی با چشمانی درشت و سیاه و دهانی گشاد و سبیلی نرم و تنک... پوست سبزه گروهان غانم تو آفتاب، تیره به نظر می رسد...». (محمود، ۱۳۸۲: ۱۲-۱۱)

راوی با وصف اندکی از شیوه رفتار و نحوه گفتار گروهان غانم، وی را چنین به خواننده معرفی می کند:

«... شب قبل، با گروهان غانم راه افتادیم و رفتیم پشته و تا دو بعد نصف شب نشستیم و با گیلان و انورمشدی عرق خوردیم و چرت و پرت گفتیم...». (همان: ۳۲)

«... گروهان غانم است که برایم سیگار آورده است.

- چرا تو هم رفتی؟

- دلواپس نباش! ... برا علی پیغوم دادم که منتظرت نباشه.

بسته سیگار را می گیرم. غانم می گوید الان برات چای میارم...». (همان: ۴۳)

معرفی می‌کند. این شخصیت‌ها حداقل تا اواخر جلد دوم و تعدادی از آنها تا جلد سوم با خواننده همراه هستند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۰-۹)

#### ۲-۴. شخصیت‌های نوعی در داستان

نقش والای اثر رنالیستی با ابداع شخصیت نوعی (تیپ) مشخص می‌شود، یعنی شخصیتی که وجود او کانون همگرایی و تلاقی تمام عناصر تعیین‌کننده‌ای می‌شود که در یک دوره تاریخی مشخص از نظر انسانی و اجتماعی، جنبه اساسی دارند. (پوینده، ۱۳۷۷: ۱۰۱) این شخصیت‌ها با تمامی فردیت و ابعاد شخصیتی خصوصی که دارند، در بعدی فراتر نماینده طبقه‌ای هستند که نمونه و تیپ آن طبقه محسوب می‌شوند. منظور آن که شخصیت هم به منزله فرد و هم به منزله نوع است، یعنی هم خصوصیات گروه خود را منعکس می‌کند و هم خصلت‌های مخصوص به شخص خودش را داراست. «خالد»، شخصیت اصلی در رمان همسایه‌ها، شخصیتی است دیرینه. شخصیتی که خالق و آفریننده خود را برای همیشه خالد و جاودانه ساخته است (صفوی، ۱۳۸۱: ۴۶) «حاج شیخ علی»، ملای محله از تیپ انسان‌های خشکه مقدسی است که از دین فقط به مظاهر آن چسبیده، وجود علم را در زندگی مضر می‌داند. در داستان یک شهر، جدا از شخصیت «خالد» در تیپ مبارزان سرخورده بعد از کودتای ۲۸ مرداد، اکثر شخصیت‌ها تیپ‌هایی از گروه‌های اجتماعی هستند. به عنوان مثال «شریفه»، «زری»، «قدم‌خیر» و «خورشیدکلاه»، هر یک سرنوشتی را پیموده‌اند و تجربه‌گر یکی از راه‌های ورود به

خواننده با ترکیب کردن این دو نوع توصیف، می‌تواند در ادامه داستان عکس‌العمل‌های گروه‌بان غانم را حدس بزند.

- در داستان بازگشت هم درخواست «شاسب» جهت کار در بانک سبب می‌شود رئیس اداره که همان «محتشم» امروز و «صفدر» قدیم است، معرفی شود. در جریان یادآوری و بازگشت به گذشته که در خاطر شاسب رخ می‌دهد، مخاطب از خیانتی که صفدر در حق دوست «شاسب» روا داشته، آگاه می‌شود. (محمود، ۱۳۶۹: ۱۸۰) «حسن فهرجی»، «عنایت» و تعداد دیگری از شخصیت‌های این داستان، از همین طریق و طی حادثه‌هایی به داستان وارد می‌شوند. در این داستان نیز تناسب شخصیت و زاویه دید و همچنین معرفی شخصیت از طریق گفتار و رفتار رخ داده است.

- در زمین سوخته، در پایان حادثه انفجار-های پیاپی، شخصیت‌های زیادی به داستان وارد می‌شوند که به وسیله زاویه دید (شخص اول- «راوی - ناظر») و هم با شرکت این شخصیت‌ها در گفت‌وگوهای دسته جمعی به خواننده معرفی می‌شوند. (محمود، ۱۳۷۸: ۲۱-۲۰)

مادر صفر درجه با زاویه دید دانای کل یا زاویه دید نمایشی، پخته‌تر و از زبان فردی بالغ روایت می‌شود. بنابراین، در ارائه شخصیت‌ها کمتر از توصیف استفاده شده، شخصیت‌ها بیشتر از طریق گفت‌وگوها و اعمالشان معرفی می‌شوند. در این رمان نیز نویسنده، طی حادثه آغازین داستان، یعنی رویداد کوسه زدن «بابو» (بابان)، برادر «باران»، شخصیت‌های برهان، رزاق، نوذر، بلقیس و ... را

می‌شود. (محمود، ۱۳۷۶: ۲۴۹ و ۳۴۴) «اوس مبارک خیاط» در جرگه مبارزانی قرار می‌گیرد که مبارزه را در حد حرف پذیرا هستند. وی در حاشیه مبارزات، خودی نشان می‌دهد ولی به هنگام عمل تنها نظاره‌گر بوده، سود و منفعت شخصی را بر آرمان‌های انقلابی، ارجح می‌داند. (محمود، ۱۳۷۶: ۷۹) «عطا و مهربان» نمونه مبارزانی‌اند که از مبارزه تنها سفسطه و لفاظی را آموخته، عمل را به دیگران واگذار نموده‌اند. (محمود، ۱۳۷۶: ۳۳۵-۳۲۶) اما «برهان و باران»، از آن دسته مبارزانی‌اند که اگر هدایت شوند و آگاهی درستی نسبت به خواسته خود یابند، با استعداد و نیروی جوانی‌ای که دارند می‌توانند هدفمند عمل کرده، در جریان مبارزه مفید واقع شوند و به درجه مبارزان انقلابی هدفمندی چون «نامدار»، «منیجه (منیژه)» و «مائده» برسند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۷۷۳)

در نظر محمود هیچ یک از شخصیت‌هایی که آفریده است، کم اهمیت نیستند بلکه اعمال و گفتار همگی‌شان، به نوعی بیانگر اندیشه و عقیده نویسنده است. شاید فرعی‌ترین نقش در نظر محمود مهم‌ترین نقش باشد.

### ۳. حادثه

متناسب با اینکه در هر کدام از آثار محمود، شخصیت‌های متعدد و زندگی‌های متفاوتی ارائه شده است، داستان‌های او مملو از حادثه‌های فردی و جمعی‌اند. رئالیسم، واقعیت در نفس حوادث (نه در تخیل نویسنده) است. (داد، ۱۳۷۸: ۲۵۷) حوادث با به چالش کشیدن ارزش‌های شخصیت داستان، گره‌افکنی‌ها جهت شکوفا شدن

زندگی‌های شوم و رقت‌بار هرزگی بوده‌اند. (محمود، ۱۳۸۲: ۵۴۶) اینان اشخاصی هستند که خواننده با شنیدن سرگذشت‌شان، متوجه فساد و وضع تیره زندگی زنان در آن دوران می‌شود. جلالی در ذیل تفسیر تپیی «شریفه» می‌نویسد: «او یکی از جامع‌ترین زنان به انحطاط رفته‌ای است که در ادبیات معاصر امروز به وجود آمده است». (زنوزی جلالی، ۱۳۸۶: ۲۰۸)

- در داستان کوتاه بازگشت نیز «شاسب» در تپ مبارزی تازه آزاد شده است که بعد از سال‌ها به محل زندگی‌اش باز می‌گردد. در رمان زمین سوخته، «کل شعبان»، «جلیل کویتی»، «نسیم خالدار»، «رضی جیب‌بُر»، «احمد فری» و «یوسف بیعار» از آن تپ اشخاصی هستند که از هیاهو و شلوغی زمان جنگ بهره بردند و موجب اذیت و آزار مردم شدند، در عوض کسانی چون «ننه باران» و «باران» بودند که با همه توان در حفظ شهر می‌کوشیدند. (محمود، ۱۳۷۸: ۹۸-۹۷) «ننه باران» سبمل مقاومت زنانی است که پا به پای بسیجیان و رزمندگان در جنگ شرکت داشتند و مردانه صبوری کردند. می‌توان شخصیت ننه باران را نمونه‌ی دیگری از «مادر» ماکسیم گورکی شمرد. (همان: ۲۷۶)

- در مدار صفر درجه نیز هر شخصیتی، معرف تپ خاص خود است. مثلاً می‌توان از «یارولی»، «مبارک خیاط»، «عطا»، «مهربان»، «برهان» و «باران» نام برد. «یارولی» شخصیتی طمع‌کار و ساده‌لوح است که به طمع پولدار شدن توسط نیروهای ساواک برای جاسوسی از مبارزان، منحرف

خود به خالد ارائه می‌دهد یا حرف‌هایی که در منزل «خورشید کلاه» در مورد زنان فاسد می‌زند و... او را به مخاطبان می‌شناساند. (محمود، ۱۳۸۲: ۳۸ و ۷۱ و ۱۰۲)

- در داستان بازگشت و رمان مدار صفر درجه حوادث به همین شیوه ارائه شده، سیر منطقی آنها خواننده را در علی بودنشان مطمئن می‌سازد. اما در رمان زمین سوخته اگرچه اکثر حوادث داستان، از قاعده علی و معلولی پیروی نموده‌اند، در بعضی صحنه‌ها، حوادثی رخ می‌دهد که برانگیزاننده برخی سؤال‌ها در ذهن خواننده است. سؤال‌هایی که غالباً بی‌جواب می‌ماند. آنچه رابطه علی را در این داستان سست می‌کند، شتاب‌زدگی نوشته به واسطه نزدیکی زمان نوشتار آن با موضوع یعنی وقوع جنگ تحمیلی است. مثلاً وصف بحبوحه‌ای که در آن شهر از همه طرف زیر خمپاره و ترکش بوده، تمام راه‌های ارتباطی قطع است، هنوز خطوط تلفن دایرند و راوی داستان منتظر تلفن برادرش «شاهد» در خانه نشسته است. یا اینکه راوی چگونه، زیرزمین امن خانه را رها می‌سازد و به خانه گلی ننه باران پناه برده، دوباره شب قبل از بمباران محله ننه باران به خانه خود باز می‌گردد.

### ۳-۲. انضمام حوادث<sup>۲</sup>

یا تدوین موازی، عبارت است از قطع متناوب از یک صحنه به صحنه دیگر و نشان دادن تکه‌ای از یک واقعه و تکه‌ای از واقعه دیگر به طوری که در ماجرا به طور موازی و متناوب پیش برده

ابعاد وجودی شخصیت‌ها، به آنها حیات می‌بخشد و زمان را در داستان جریان می‌دهد؛ پس هر چقدر با مهارت پرداخت شود حس حقیقت‌مانندی داستان برای خواننده قوی‌تر خواهد بود. (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

### ۳-۱. نحوه ارائه حوادث

محمود در نحوه ارائه حوادث، روال طبیعی یک حادثه را در نظر داشته است. نتایج حوادث براساس کنش منطقی شخصیت‌هاست و عقیده نویسنده در آن دخالت ندارد؛ یعنی از قاعده علی و معلولی رنالیسم پیروی می‌کند. برای نمونه در همسایه‌ها، «ابراهیم» هم بازی خالد است که راوی در اواسط رمان، از دزدی‌ها و کارهای نادرستش صحبت می‌کند. به همین سبب در پایان رمان، دستگیری ابراهیم به عنوان یک مجرم برای خواننده چندان تعجب‌برانگیز نیست چرا که نویسنده، زمینه ذهنی مخاطب را با وصف دزدی‌های ابراهیم از کبوترخانه خالد، رابطه نامشروع وی با بانو و... به خوبی آماده می‌سازد. این پایان، نتیجه اجتناب‌ناپذیر رویدادهایی است که شخصیت ابراهیم بدان دچار می‌شود. (محمود، ۱۳۸۷: ۱۷ و ۱۲۹ و ۱۷۷)

- در داستان یک شهر مرگ مشکوک شریفه، «علی» را در مظان اتهام به قتل وی قرار می‌دهد، نتیجه‌ای که هر چند خواننده را با نوعی وهم مواجه می‌سازد، اما کاملاً عادی می‌نماید و آن را قابل قبول می‌سازد. دلیل این امر نحوه پرداخت شخصیت علی است. نویسنده طی حوادثی چون، اطلاعاتی که علی با آمدن شریفه به بندر، در حالت مستی، از گذشته

می‌شود. (عطاءاللهی، ۱۳۸۶: ۹۸)

حوادث داستان‌های محمود خطی مستقیم نیستند که برای خواننده کسالت‌بار شوند، قدرت ترکیب حوادث و پیشبرد آنها به موازات هم، یکی دیگر از هنرهای داستان‌نویسی محمود است. گذشته، حال و آینده دوشادوش هم در نقل داستان در حرکت هستند. برای اینکه داستان بتواند «قیافه» تصویر برشی از زندگی به خود بگیرد باید زمان وقوع حوادث را به هم نزدیک ساخته، کاری کنیم که حوادث داستان در هم بدونند. (یونسی، ۱۳۵۵: ۱۴۲)

محمود با در نظر داشتن رابطه‌ی علی و معلولی حوادث ترکیبی، داستان را به سوی نتیجه‌ای منطقی سوق می‌دهد. برای نمونه در داستان یک شهر حادثه‌ی ورود بازرسان جهت رسیدگی به پرونده دزدی‌های سرگرد «عاصی» دو حادثه‌ی دیگر به دنبال دارد: نخست حادثه‌ی بازداشت شدن راوی (خالد) و دیگر حادثه‌ی کتک خوردن گروهبان فضول، «خروشی». نویسنده به سبب پیوستگی این حوادث، آنها را به موازات هم پیش برده، به صورتی منطقی به انجام می‌رساند. هدف اصلی محمود در خلال این حوادث، بازگشت به گذشته یعنی روایت روزهای مبارزه راوی است. (محمود، ۱۳۸۲: ۲۱ و ۲۲ و ۲۳)

- در داستان بازگشت بنابر نوع روایت داستان (تک‌گویی - راوی)، حوادث در ذهن شخصیت به هم پیوند خورده و در هم ادغام می‌شوند و به مرور، مطابق با پیشبرد داستان به نتیجه‌ای منطقی منجر می‌شوند. مثلاً حادثه‌ی دیدار پسری عقب مانده به نام «رزاق» که با دیگر تلاطمات ذهنی شاسب نظیر خیانت هم‌رزم

انقلابی‌اش «غلام»، گذشته‌ی غیراخلاقی «افسانه» و «صدرا» والدین این کودک و... ترکیب می‌شود. (محمود، ۱۳۶۹: ۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۵)

- در *مادر صفر* درجه، نویسنده از شروع داستان سه حادثه‌ی عمده یعنی خورده شدن «بابو» توسط کوسه در دریا، دزدیده شدن ساعت وی و تلاش خانواده‌ی بابو جهت یافتن ساعت گم شده و مهاجرت «عمو فیروز» به دنبال از دست دادن زمینش از روستا به شهر را در پی هم می‌آورد. این ماجراها خود پایه‌ی حوادث دیگر داستان شده تا جلد پایانی پیگیری می‌شوند در کنار این حوادث در زمان حال، شخصیت «بی‌بی سلطنت» حادثه‌ی مرگ نوروز پدر خانواده در گذشته را نیز روایت می‌کند. (محمود، ۱۳۷۶: ۱۰ و ۱۴ و ۲۶ و ۱۷۴)

اما در زمین سوخته به سبب گزارشی بودن داستان، نویسنده جدای از حوادثی که در حین گفت‌وگوها بیان می‌دارد، تنها به بیان حوادثی که خود ناظر بوده، پرداخته است. به همین دلیل راوی به طور همزمان، امکان ترکیب چندین حادثه را نداشته، سعی خود را بر پرداخت حادثه‌ای واحد که در حال اتفاق است، متمرکز می‌سازد.

در آثار محمود، حوادث از زبان شخصیت‌ها و راوی یا در حین گفت‌وگوهای اشخاص داستانی ارائه می‌شوند. این حوادث چنان در بطن روایت‌ها جای داده شده‌اند که سیر عادی رویداد در زندگی روزمره شخصیت‌ها انگاشته می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

احمد محمود با بهره‌گیری از قواعدی خاص در گزینش عناصر درون‌مایه، شخصیت و حادثه، جهت

رنالیستی حوادث، روال طبیعی یک حادثه را در نظر داشته، نتایج حوادث را براساس کنش منطقی شخصیت‌ها شکل می‌دهد و عقیده خود را در نتایج آن دخیل نمی‌سازد. این بدان معناست که به خوبی از قاعده علی و معلولی رنالیسم پیروی می‌کند.

محمود در تلفیق این سه عنصر و وحدتی که مابین آنها ایجاد نموده به سبکی دست یافته است که مشخصه نویسندگی وی یعنی رنالیسم اجتماعی می‌باشد و بهترین نمونه‌های این سبک را می‌توان در آثار وی یافت.

#### پی‌نوشت‌ها

1. "They recorded what they saw ("as it existed") in a dispassionate manner". (Grisham, 2008: 04-05)
2. "Social realism should not be confused with socialist realism, the official Soviet art form that was institutionalized by Joseph Stalin in 1934 and was later adopted by allied Communist parties worldwide". (Todd, 2009: 01)

#### منابع

- اسکولز، رابرت (۱۳۷۷). *عناصر داستان*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- ایرانی، ناصر (۱۳۸۰). *هنر رمان*. تهران: نشر آبانگاه.
- پوینده، محمدجعفر (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: نشر نقش جهان.
- چایلدز، پیتز (۱۳۸۶). *مدرنیسم*. ترجمه رضا رضایی. چاپ دوم. تهران: نشر ماهی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. چاپ یازدهم. تهران: سمت.

حقیقت‌مانندی رمان‌های واقع‌گرایانه خود چون همسایه‌ها، داستان یک شهر، بازگشت از مجموعه دیدار، زمین سوخته و مدار صفر درجه به واقع‌گرایی اجتماعی در سبک نویسندگی اش دست یافته است. در بررسی که بر روی آثار گزینش شده احمد محمود انجام شد، مشخص گشت که اولین شاخصه سبک واقع‌گرایانه محمود، در انتخاب درون‌مایه آثارش نمایان می‌شود و به ترتیب در شخصیت‌پردازی، گزینش حوادث داستان‌ها دنبال می‌شود. واقع‌گرایی درون‌مایه آثار محمود، مرهون نگاه انسانی وی به اجتماع و بیان زندگی مردم و دردهای آنهاست. دیگر اینکه این درون‌مایه‌ها در قالب برش‌هایی از زندگی پیرامون خواننده به وی نشان داده می‌شوند. دومین مؤلفه‌ای که داستان‌های محمود را واقع‌گرا می‌سازد، شخصیت‌های قابل باور او هستند. داستان‌های وی از نظر شخصیت غنی‌اند. شگردهای وی برای خلق شخصیت‌های قانع کننده‌اش را می‌توان در نوع گزینش قهرمان‌های داستان که مردم عامی‌اند و در قالب تیپ‌های شخصیتی ظاهر می‌شوند، خلاصه کرد و دیگر اینکه شخصیت‌هایش سرشته از خوبی و بدی‌اند و در خلال داستان، به وسیله گفتار، اعمال و گاه از گذر حوادث، همچون زندگی عادی به مخاطب معرفی می‌شوند.

سومین مؤلفه داستان‌های واقع‌گرای محمود، عنصر حادثه است که در آثار وی، متناسب با درون‌مایه و شخصیت‌های رنالیستی به دقت به آنها پرداخته شده است و با به چالش کشیدن ارزش‌های شخصیت داستان، حس حقیقت‌مانندی داستان را برای خواننده قوی‌تر می‌کنند. محمود در جهت ارائه

- داد، سیما (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ دوم. تهران: نشر مروارید.
- دارابی، خاطره (۱۳۸۸). *رنالیسم اجتماعی در آثار احمد محمود*. پایان‌نامه. استاد راهنما: فروغ صهبا. اراک: دانشگاه اراک.
- زنوزی جلالی، فیروز (۱۳۸۶). *باران بر «زمین سوخته» (تحلیل و نقد رمان‌های احمد محمود)*. تهران: نشر تندیس.
- شکری، فدوی (۱۳۸۶). *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی معاصر*. تهران: نشر نگاه.
- صفوی، راحله (آذر ۱۳۸۱). «احمد محمود از نگاه خود و دیگران (نگاهی به زندگی و آثار احمد محمود، به بهانه درگذشت او)». *ادبیات داستانی*. شماره ۶۳. صص ۴۰-۵۲.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۷۹). *کارنامه نثر معاصر*. تهران: نشر پایا.
- عطاءاللهی، علی‌اصغر (آبان و آذر ۱۳۸۶). «محمود دیگر نمی‌نویسد». *رودکی*. شماره ۲۰. صص ۱۰۴-۹۱.
- فقیری، امین (مهر ۱۳۸۶). *احمد محمود راوی وقایع‌های ملموس زندگی است*. مندرج در سایت [www.ibna.ir](http://www.ibna.ir).
- فورستر، ادوارد مورگان (۱۳۶۹). *جنبه‌های رمان*. ترجمه ابراهیم یونسی. چاپ چهارم. تهران: نشر نگاه.
- گلستان، لیلی (۱۳۸۶). *حکایت حال (گفت‌وگو با احمد محمود)*. چاپ دوم. تهران: نشر معین.
- محمود، احمد (۱۳۶۹). *دیدار*. چاپ سوم. تهران: نشر نو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶). *مدار صفر درجه*. چاپ سوم. تهران: نشر معین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *زمین سوخته*. چاپ سوم. تهران: نشر معین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲). *داستان یک شهر*. چاپ ششم. تهران: نشر معین.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷). *همسایه‌ها*. تهران: نشر چاوشان نوزایی کبیر.
- مستور، مصطفی (۱۳۸۶). *مبانی داستان کوتاه*. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۴). *عناصر داستان*. تهران: نشر شفا.
- میرعابدینی، حسین (۱۳۸۶). *صد سال داستان* - نویسی ایران. چاپ چهارم. تهران: نشر چشمه.
- یونسی، ابراهیم (۱۳۵۵). *هنر داستان‌نویسی*. چاپ سوم. تهران: نشر امیرکبیر.
- Todd, J. G. (2009). *Social Realism*. From Grove Art Online. Oxford University Press, available at [http://www.moma.org/collection/theme.php?theme\\_id=10195](http://www.moma.org/collection/theme.php?theme_id=10195), accessed 1 May 2013, page not available 28 December 2016.
- Grisham, Kathleen (2008). *Social Realism*. From Survey of Art 1B, available at [http://instruct.westvalley.edu/grisham/1b\\_social.html](http://instruct.westvalley.edu/grisham/1b_social.html).



**Social Realism in the Works of Ahmad Mahmud  
(By Focusing on Three Elements: Theme, Character and Event)**

Kh. Darabi\*

**Receipt:**

2015/02/16

**Acceptance:**

2016/04/09

**Abstract**

Ahmed Mahmoud, a contemporary writer, has tried to describe the conditions governing the individual and the community in his works. In his stories, describing the lives of ordinary people, their needs and their concerns by considering the prevailing social system, have been incorporated into narrative stories. This kind of storytelling has put his style among the writers of socialist realism. Mahmoud's tendency toward realism, as well as the signs of social realism in his novels, is a reason to examine his fictional works. For this reason, the present study is grounded on the question: what features of Mahmoud's works are based on the style of social realism. In this study, the main objective was to clarify the realistic realm of Mahmoud's novels and the style of his social realism emphasizing the analysis of the three elements; theme, character, and incident. In this research, by studying library resources and a descriptive-analytic approach, the characteristics of social realism in the novels such as *Neighbors*, *the Story of a City*, *the Burned Earth*, *the Zero-Degree Orbit*, and the short story of *Return* as the most prominent examples of Mahmud's realist works have been investigated. Come on. As a result, Mahmoud, with a special interest in choosing the social issues as the themes of his work, and creating the fictional characters as the ones that are the examples of people in our daily lives as well as placing them in the incredible events, has been able to create the works of socialistic realism.

**Keywords:** Social Realism, Ahmad Mahmud, Theme, Character, Incident.

---

\* M.A. Persian Language and Literature. Arak University.

Email: Kh.darabi@gmail.com